

## عدل گستری و ستم ستیزی در قرآن کریم

سید منذر حکیم<sup>۱</sup>

چکیده

اسلام عهده‌دار ارائه یک نظام عادلانه رفتاری مبتنی بر اصول اخلاقی شایسته یک انسان می‌باشد و یک نظام اخلاقی جامع پشتوانه اساسی یک نظام رفتاری عادلانه است، از این رو تمام نمودن مکارم اخلاق توسط یک نظام رفتاری اسلامی به عنوان یک هدف برتر برای بعثت خاتم انبیاء مطرح شده است: «إنما بعثت لأتمم مکارم الأخلاق».

به این صورت، رابطه میان تکامل اخلاقی و تکامل رفتاری انسان و عدم انفکاک میان تکامل رفتاری و تکامل اخلاقی به عنوان یک اصل مسلم روشن می‌گردد.

نظام عدل‌مدار الهی بر اساس یک نظریه جامع، برای عدل استوار بوده، و در آرمان‌های این نظام، انسان‌های عدل‌گرا را باید به سوی عدالت‌خواهی هدایت نموده و سپس در مزرعه عدل پروری، پرورش داده و آنان را در یک جامعه انسانی متعادل و با تقوا به سوی عدل گستری سوق دهند، تا این عدل الهی در یک جامعه بشری گسترده در وجود انسان‌های شایسته شکوفا گردد و قیام مردم جهان به قسط تحقق یابد و وعده الهی جامه عمل بپوشد.

کلید واژه‌ها: عدل، قسط، حق، حد، میزان، صراط مستقیم، قوام، وسط، قصد، ظلم، جور، عوج، بنی، طغیان.

### ۱- مفهوم‌شناسی

الف: در «مصباح اللغه» دو تعریف برای عدل آمده است:

۱) العدل: خلاف الجور (مخالف ستم و جور) (هم‌چنین رک: طریحی، ۱۳۶۷ش، ج ۳، ص ۱۳۳ و جوهری، ۱۴۰۷ق، ح ۵، ص ۱۶۶).

۲) العدل: التقصد فی الأمور (میان‌روی در کارها) (هم‌چنین رک: طریحی، پیشین، ص ۱۳۴) ب: در «مقاییس اللغه» سه تعریف برای عدل بیان شده است:

۱) العدل نقیض الجور (عدل نقیض ستم می‌باشد) (زکریا، ۱۴۰۴ق، ح ۴، ص ۲۷۷).  
 ۲) العدل الحکم بالاستواء (پیشین، ص ۲۴۶).

۱- استاد و مدرس حوزه و محقق علوم اسلامی.

۳) العدل من الناس المرضی المستوی الطریقه (عادل به کسی گفته می شود که شخصیت او مورد پسندید بوده و سیره و روش او مستقیم و معتدل باشد) (پیشین).  
ج: راغب اصفهانی در «المفردات» کاربرد «عَدْل» را در امور معنوی و غیر محسوس و «عِدْل» را در امور محسوس و مادی می داند. (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۲۵؛ العدل يستعمل فيما يدرك بالبصيره كالاحكام، وعلى ذلك قوله (ار عدل ذلك صياما) والعدل والمعدل فيما يدرك بالحاسة).

### ۲- عدل در قرآن

علامه مصطفوی در «التحقیق فی کلمات القرآن» به بررسی معنای «عدل» در قرآن پرداخته و می گویند:  
اصل در ماده «عدل» میانه روی و پرهیز از هرگونه افراط و تفریط می باشد و با توجه به همین مفهوم بر هر یک از موارد ذیل با توجه به قید خاص هر مورد، اطلاق می شود. این موارد عبارت است از: اقتصاد (میانه روی)، مساوات، قسط، استواء و استقامت.

۱. عدالت در رأی و نظر و صدور حکم، هنگامی که مطابق حق باشد و از هر گونه انحرافی مصون باشد؛  
۲. عدالت در صفات نفسانی (کردار) هنگامی که اخلاق باطنی انسان معتدل و از هر گونه افراط و تفریط دور باشد؛

۳. عدالت در رفتار؛  
۴. عدالت در گفتار.

عدل از اسمای حسناى الهی است و به معنای اعتدال و میانه روی است. نه به معنای قرار دادن هر چیز در جای خود، زیرا عدل بدون توجه به قرار دادن و قرار گرفتن، مورد توجه قرار می گیرد و هم در صفات و هم در افعال خنای سبحان عدل وجود دارد.  
واژه مقابل عدل، جور (ستم) می باشد که به معنای انحراف و تمایل به یک طرف و خروج از متن حق است. «ظلم» نیز یکی از مصادیق «جور» و خروج از متن حق می باشد که به معنای ضایع نمودن حق و ادا نکردن آن می باشد. (مصطفوی، ج ۸، ص ۵۵-۵۷).

### ۳- قلمرو عدل و قلمرو شریعت

در آیات الهی قرآن کریم، «عدل» در تمام ابعاد شریعت آسمانی اسلام به خوبی مشاهده می شود:  
۱) تمام دستورات الهی برای انسان عادلانه بوده و بر محور «عدل» در جامعه بشری است: «إِنَّ اللَّهَ بِأَثَرِ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل/۹۷).

الرشاد

سال پنجم / شماره بیستم

۲) هدف از بعثت خاتم پیامبران ﷺ نیز به پا داشتن «عدل» در جامعه بشری است: «قَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَرْسَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید/۲۵). «وَأَمْرًا لِاعْدِلَ بَيْنَكُم» (شوری/۱۵).

۳) در دستگاه قضایی اسلام، به پا داشتن عدل یک اصل اساسی و یک ضرورت است: «وَإِذَا حُكِمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَعْدِلُوا بِالْعَدْلِ» (نساء/۵۸).

۴) هدف و غایت به پا داشتن عدل، رسیدن به تقوای الهی است: «غَدِرُوا حُرِّ أَقْرَبِي لِلتَّقْوَى» (مانده/۸۷).

۵) در نظام خانواده و در رفتار اجتماعی در عرصه خانواده نیز «عدل» مورد سفارش می باشد: «فَبِأَنِّ حَقِّمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فِرَاحِدَةً» (نساء/۳۲).

۶) در گفتار نیز مراعات «عدل» سفارش شده است: «وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَى» (انعام/۱۵۲).

۷) پیراستن «عدل» از هر گونه آسیب و ناخالصی: «لَا تَتَّبِعُوا الْهَوَى أَنْ تَعْدِلُوا» (نساء/۱۳۵).

۸) در پیمان ها باید عدل مراعات شود: «وَلْيَكْتُبْ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ» (بقره/۲۸۲).

۹) در شاهد گرفتن برای اثبات یک حق، شاهدان باید عادل باشند: «أَشْهَادٌ ذُرَا عَدْلٍ مِّنْكُمْ» (مائده/۱۰۶).

۱۰) هم چنین رکن مانده/۹۵ و طلاق/۲۷.  
۱۰) در اصلاح ذات البین و رفع اختلافات اجتماعی، با عدل باید پیش رفت: «فَاعْصِمُوا بِبَيْنِهِمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا» (حجرات/۹۷).

### ۴- حق و عدل در قرآن کریم

عدل همان مراعات حق است که هر گونه زیاده روی یا کوتاهی و یا افراط و تفریط در آن موجب ضایع شدن حق می گردد، و این حق به معنای «آن چه باید باشد» است و دو آیه شریفه ذیل به چنین معیاری توجه داده اند:

• «وَمِنْ مِّنْ خَلْقِنَا أُمَّةٌ يُهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ» (اعراب/۱۸۱).

• «وَمِنْ قَوْمٍ مُّوسَى أُمَّةٌ يُهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ» (اعراب/۱۵۹).

حق، همان معیاری است که با محوریت آن انسان ها هدایت می شوند و عدالت نیز بر اساس حق تحقق می یابد.  
و عدل، مراعات همان حق یا حد و مرز بایسته است که تجاوز و گذشتن از آن مصداق ظلم و ستم می گردد.

پس عادل به کسی گفته می شود که حد و مرزها و حقوق را مراعات کند؛ در سوره «الرحمن» به وجود چنین معیاری برای برقراری عدل اشاره شده است:

«وَالسَّاعَةَ رَفَعْنَا وَرَفَعْنَا فِيهَا ذُرِّيَّتَهُنَّ أَزْوَاجًا \* لِيُحْسِنُوا الصَّالَاتِ لِلَّذِينَ عَلَّمُواهُنَّ \* وَأَيُّسِّرُوا لَهُنَّ الْيُسْرَى \* وَأَيُّسِّرُوا لَهُنَّ الْيُسْرَى \* وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (رحمن/۷-۱۰).

عدل گستری و ستم ستیزی در قرآن کریم

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت در مفهوم واژه «عدل» یک عنصر اصلی وجود دارد که قوام «عدل» به آن است و به دلیل همین عنصر، «عدل» یک معیار و یک ترازو قرار داده می‌شود. این عنصر اساسی همان «حق» است که «حد» و «میزان» نیز نموده‌های دیگر این معیار می‌باشد؛ یعنی آن‌چه سزاوار هر چیزی و بایسته و شایسته آن است.

قرآن کریم نیز با صراحت به این حق یا حد توجه ویژه داده و مراعات آن را صراط مستقیم می‌داند، و تجاوز از صراط مستقیم و عدم مراعات حق و تجاوز از حد را ستم نامیده است:

«تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (بقره/۲۲۹).

«وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ الَّتِي بَيْنَهَا يُقْرَمُ بَعَثُونَ» (بقره/۲۳۰).

«وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» (توبه: ۱۱۲).

«وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ» (طلاق/۱).

«إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (مرد/۵۶).

«فَأَحْكُمْ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ وَاهْدِنَا إِلَى صِرَاطِ الصِّرَاطِ» (ص/۲۲).

تعریف ستمگر به متجاوز از حدود الهی، به مفهوم تعریف عادل به مراعات کننده حدود الهی است و حدود الهی همان حق است که باید مراعات گردد.

۵- عدل در ابعاد وجودی انسان

بحث از عدل را در تمام علوم اسلامی می‌توان پی‌گیری نمود و چنان که علوم اسلامی را به نظری و عملی تقسیم می‌نمایند، بحث عدل را می‌توان سرلوحه علوم نظری - فلسفه، کلام و فلسفه اخلاق - جوهره وجودی تمام کمالات اخلاقی و قوانین رفتاری در علوم عملی مانند علم اخلاق (فقه اکبر) و علم فقه (فقه اصغر) دانست. (رک: تراقی، می‌تاج، ۱، ص ۶۸-۷۵).

اولین و مهم‌ترین مصداق حسن و قبح عقلی و ذاتی را عدل و ظلم گفته‌اند.

و صفت کمال الهی که به طور برجسته مورد بحث قرار گرفته و نظام احسن مخلوقات را در گرو آن می‌دانند همان عدل الهی است، که تجلی تمام کمالات کمال مطلق است.

و هدف از بعثت انبیاء و فلسفه تشریح قوانین الهی برای زندگی بشر به تکامل وجودی انسان می‌رسد و این تکامل وجودی را قرآن کریم در قیام مردم به قسط «يَتَرَوْمُ النَّاسُ بِالْإِسْطِ» (حدید/۲۵) بیان نموده است.

و در فلسفه غیبت امام مهدی (عج) (موعود پیامبر اسلام ﷺ) نیز امکان تحقق همین آرمان بسیار بزرگ الهی برای بشریت مطرح شده و به صورت یک وعده تخلف‌ناپذیر الهی برای مؤمنان تلاش گر در مسیر صالحات و خوبی‌ها در آمده است و جمله نغز «وَلَيَبْلُغَنَّ مِنْ يَدِ خَلْقِهِمْ أَشْأًا» (نور/۵۵) بسیار گویا بوده که امنیت همه جانبه و فراگیر برای بشریت شاخص تحقق عدالت فراگیر و همه جانبه بوده و زدودن تمام انواع و مراتب شرک از عرصه جهانی با حاکمیت بلامنازع توحید الهی شاخص دیگر رسیدن بشریت

الهدى لفقير

سال پنجم / شماره بیستم

به تمام ظرفیت‌های وجودی خود می‌باشد و با عدالت درونی و برونی و در تمام ابعاد وجودی، این آرمان بزرگ تحقق می‌یابد.

برای عملی شدن چنین آرمان بزرگی، لازم است برنامه‌ای جامع و متناسب با تمام ظرفیت‌ها و طرفت‌های وجودی تمام انسان‌ها طراحی شود تا تمام افراد نوع انسانی را در تمام شرایط و مراحل راهنما و راهبر به سوی آن هدف بزرگ باشد و با مدیریت رفتار و کردار انسان‌ها آنان را در مسیر تکاملی بایسته و شایسته به حرکت در آورد و از مسیر صراط مستقیم کمال انسانی هر یک را به کمال مناسب و ظرفیت شایسته خود برساند.

عدل در این‌جا میزان تکامل انسان در حوزه اندیشه و کردار و رفتار خواهد بود و در یک نظام اجتماعی عدل‌مدار، تمام ابعاد فردی و تمام شئون جامعه تحت برنامه الهی قرار می‌گیرند و عدل الهی در عرصه تشریح و در تمام قلمروهای قابل برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی برای جامعه بشری تجلی می‌یابد.

عدل الهی در نظام تکوین زیر بنا و پشتوانه عدل الهی در عرصه تشریح و برنامه‌ریزی برای زندگی اختیاری انسان‌ها در دنیا بوده و هر دو نوع از عدل پشتوانه سامان‌دهی و مدیریت و راهبری انسان‌ها به سوی اهداف تعیین شده بر اساس عدل خواهد بود و عدل در آخرت و عالم مجازات، در حقیقت عدل در ارزش‌گذاری و نتیجه‌گیری و به فرجام‌رسانی می‌باشد.

بحث عدل بدون شناخت کامل انسان بحثی سطحی و ناقص خواهد بود زمانی که به تمام ابعاد وجودی انسان توجه شود، عدل معنای گسترده و فراگیر پیدا می‌کند.

انسان نیز باید در دو عرصه فردی و اجتماعی مورد توجه باشد و تمام ابعاد وجودی فرد و جامعه انسانی زیر ذره‌بین عدل که معیار و شاخص حرکت تکاملی فرد و جامعه است قرار خواهد گرفت.

رابطه تنگاتنگ فرد و جامعه و ارتباط متقابل عدل فردی و عدالت اجتماعی در برنامه‌ریزی مناسب برای تحقق آرمان‌های الهی در شریعت عدل‌محوره، روش و مراحل عملی ویژه‌ای می‌طلبند که در قرآن کریم به این بعد توجه شده است و تمام تحولات اجتماعی را به تحول درونی افراد جامعه ربط داده و اصل «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِيَدِهِ حَتَّى يُغَيِّرَ مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد/۱۱) را به عنوان یک سنت اجتناب‌ناپذیر مطرح نموده است. بنابراین آغاز تحول جامعه، از تحول افراد خواهد بود و برای تحول درونی نیز با توجه به ساختار درونی انسان، برنامه‌ای ویژه در قرآن کریم خواهیم یافت.

۶- عدل‌مداری در قرآن کریم

از سوره‌های ۱۱۴ گانه قرآن کریم بیش از ۹۵ سوره به موضوع عدل و ظلم پرداخته است و تعداد بسیار زیادی از آیات قرآن کریم به این دو واژه و مشتقات و مفاهیم مرتبط به آن اختصاص دارد و چنان‌چه به مصادیق عدل و ظلم در تمام ابعاد وجودی انسان و در قلمرو صفات الهی توجه شود می‌توان ادعا کرد که تمام آیات قرآن کریم زیر پوشش این دو مفهوم قرار خواهد گرفت.

عدل گستردگی و ستم‌ستیزی در قرآن کریم

نهی هر گونه ستم در هر زمینه‌ای و در هر سطحی از ذات پاک الهی و قیام او به قسط، گوهر نظام تشریحی عدل مدار را بیان می‌کند.  
هدف‌گذاری برای بعثت انبیا و شرایع آسمانی با شاخص قیام مردم به قسط، نشان‌دهنده گرایش اصلی این نظام به سوی عدالت در تمام عرصه‌های فردی و اجتماعی است.  
قوانین کلی قرآنی - که به برخی از آنها اشاره شد - به عنوان قواعد اساسی حاکم بر تمام تشریحات ثابت و متغیر یک شریعت کامل، نشان‌دهنده عدل‌محوری این نظام تشریحی است. (برای مطالعه و بررسی بیشتر رک: خوبی، ۱۳۹۵ق، ص ۵۸-۶۶ و موسوی همدانی، ۱۳۷۴ش، ح ۷، ص ۴۵۴-۴۵۵).  
بنابراین، نظام عدل‌مدار الهی بر اساس یک نظریه جامع، برای عدل استوار بوده و انسان‌های عدل‌گرا را به سوی عدالت‌خواهی رهنمون گردیده و سپس در کشتزار عدل‌پروری پرورش داده و آنان را در یک جامعه انسانی متعادل و با تقوا به سوی عدل‌گستری سوق می‌دهد تا در یک جامعه بشری گسترده، عدل الهی در وجود انسان‌های شایسته شکوفا گردد و قیام مردم جهان به قسط تحقق یافته و وعده الهی جامعه عمل ببوشد.

#### ۷- عدل‌مداری و ملکه عدالت

تقوا به معنای خود ننگ‌داری و خودداری از تجاوز به حریم حدود الهی است و تجاوز از حدود الهی را قرآن کریم ستم دانسته است (طلاق/۱) و تمهید نسبت به این حدود و پاسداری از آنها نشانه آراستگی به اعتدال در مسیر و حرکت تکاملی انسان می‌باشد (نوره/۱۱۲).  
بنابراین تقوا و عدالت (به معنای مراعات حقوق و حدود الهی) ملازم هم‌دیگر و انفکاک ناپذیر بوده و می‌توان هر عدالی را با تقوا و هر با تقوایی را عادل دانست. و چنان‌چه عدل و تقوا مترادف نباشند، دو مفهوم مساوی هم خواهند بود و از یکی به دیگری می‌توان پی برد. بنابراین کلیه آیات قرآن کریم که از تقوا سخن می‌گویند باید مورد استفاده قرار گیرد تا رابطه نظام تشریحی عدل‌مدار با تحقق ملکه عدالت - که همان ملکه تقوا خواهد بود - به دست آید. تمام آیات قرآن که درباره احکام الهی سخن می‌گویند به جمله «لعلکم تتقون» ختم می‌شود که نشان می‌دهند این احکام تقوا را به ارمان می‌آورد و انسان را به ملکه تقوا نزدیک نموده و او را در زمره متقین در می‌آورد؛ «غَدِّبُوا مَنْ أَمْرًا لِنُفُوسٍ» (مائد/۷).

هم‌چنین هدف قرار گرفتن عدالت و قیام به قسط برای تشریحات الهی و بعثت انبیاء خود دلیلی روشن بر رابطه تنگاتنگ نظام تشریحی عدل‌مدار با تحقق عدالت در جامعه بشری است و تحقق عدالت اجتماعی نیز از مسیر تحقق عدالت فردی و قوام عدالت فردی به تحقق ملکه عدالت خواهد بود. ملکه عدالت نیز صفتی پایدار بوده و انسان عادل به طور طبیعی از تجاوز به حقوق دیگران و از هر گونه ستمی خود را دور نگه می‌دارد. نظام تشریحی فراگیر با قوانین جامع خود بزرگ‌ترین نقش را در تحقق ملکه عدالت برای انسان ایفا می‌نماید.

#### ۸- عدل‌مداری و عدالت اجتماعی

با توجه به این سنت الهی پایدار و تخلف‌ناپذیر که انسان به چیزی جز حاصل سعی و تلاش خود نمی‌رسد «وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى». (نجم/۳۹)  
و هم‌چنین آیات زیادی که به جزای اخروی اختصاص دارد (طور/۱۶، تحریم/۷، نمل/۹۰، یس/۵۴، صافات/۳۹ و جاثیه/۲۸) و آیاتی که هر گونه تحول اجتماعی را مدیون تحول درونی افراد می‌دانند، مانند آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقَرْتُمْ حَتَّىٰ تُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِكُمْ» (رعد/۱۱) این نتیجه به دست می‌آید که نظام تشریحی جامع و عدل‌مدار، برای تحقق عدالت اجتماعی، تحول را از درون افراد شروع می‌نماید و آنان را در پندار و کردار و رفتار متحول می‌نماید (رک: صدر، ۱۴۲۱ق، ص ۹۹)، ولی برای تحقق عدالت اجتماعی فراگیر، یک نظام سیاسی مقتدر و عدل‌مدار را طراحی نموده و در رأس آن نظام، انسان‌های صد درصد عادل - که عصمت گویای عدالت تضمین شده آنان است - را قرار می‌دهد تا بتوانند در فراز و نشیب‌های اصطکاک مصالح فردی و اجتماعی عهده‌دار تحقق عدالت اجتماعی باشند.

پیامبر اکرم ﷺ در پاسخ فردی که در ذهن او احتمال انحراف پیامبر از مسیر عدالت مطرح بود و به پیامبر هشدار داد که می‌باید در ادای حق او کوتاهی کند، فرمود: «تَرَبَّيْتُ يَدَاكَ إِذَا لَمْ أُعَدِلْ فَمَنْ يَعْدِلُ؟! اگر من - که پیامبر معصوم هستم - عدالت را مراعات نمی‌کنم پس چه کسی می‌تواند عدالت را پیاده کند و تحقق بخش آن باشد؟!» (کلبی رازی، ۱۳۶۳ش، ح ۶، ص ۱۳۹، ح ۵)

بنابراین دو مسیژ کاملاً مرتبط به هم و در کنار هم برای رسیدن به عدالت اجتماعی در قرآن کریم نشان داده شده است و آیات قرآن که به پیامبر دستور داده بر اساس حق و عدل حکم نماید و اطاعت از اولوالأمر را همانند اطاعت از پیامبر بدون چون و چرا لازم دانسته است نشان‌دهنده این خط تشریحی است که تضمین‌کننده تحقق عدالت اجتماعی در جامعه بشری خواهد بود.

#### ۹- عدل‌پروری در قرآن کریم

۱- خدای عادل، انسان‌های عادل را خود تربیت نموده است: «وَأَعِظَنَّكَ لِنَفْسِكَ» (طه/۴۱) و انسان‌های عادل که تربیت شده پروردگار عادل می‌باشند برای جامعه انسانی الگوهای مطلوبی بوده و خداوند آنان را به عنوان پیام‌رسانان و حاملان امین رسالت‌های خود برای بشریت قرار داده است.

۲- پیام الهی برای انسان‌ها در بردارنده نظامی عادل (عدل‌مدار و عدل‌پرور) می‌باشد  
۳- در این نظام عدل‌پرور، انسان‌ها مورد کالبدشکافی علمی قرار داده شده‌اند و برای آنان در تمامی ابعاد برنامه‌ریزی شده است.

۴- قتل‌سازای عقل در کنار داشتن اراده و اختیار و نهادینه نمودن گرایش به حق و عدل در وجود آدمی «فَاللَّهُمَّ اجْعَلْهَا قُورْهَا وَ تَقْرَاهَا» (شمس/۷) اولین و مهم‌ترین ابزار برای پرورش انسان در مسیر عدل و حق می‌باشد.



### ۱۱- آثار فردی و اجتماعی عدل در قرآن کریم

۱. چنانچه «عدل» را مراعات «حق» بدانیم، مراعات حقوق انسان را باید تحقق بخش ملکه عدالت و تقوا بدانیم، چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: «اغْدِلُوا هُوَ اقْرَبُ لِلتَّقْوَى» (مانده ۸۷).  
 ۲. انسان با تقوا فردی ضابطه‌مند و قانون‌گرا بوده و در رفتار او جایی برای هوا و هوس نخواهد بود. امیر مؤمنان علیه السلام در بیان آثار مراعات عدل می‌فرماید: «قد أُرْمِ نَفْسَهُ الْعَدْلُ فَكَانَ أَوَّلَ عَدْلِهِ نَفْسَ الْهَوَى عَنِ نَفْسِهِ» (شریف رضى، ۱۳۷۰ش، ج ۱، ص ۱۵۲ - ۱۵۳، خ ۸۷ مجلسی، ۱۴۰۲ق، ح ۲، ص ۵۷، ح ۳۶). بنابراین دوری از هوی اولین اثر و اولین گام در تحقق عدالت است.

۳. بصیرت و بینشی که انسان‌های عادل و باتقوا در زندگی پیدا می‌کنند یکی از برکات قابل توجه است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَنَجَّ الْمُعْسِرِينَ» (مکعبوت/۶۹) و هم‌چنین می‌فرماید: «... وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا \* وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ \* وَمَنْ يَتَّكِلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ...» (علاق/۲-۳).

۴. انسان‌های عدل‌گرا بی‌تردید انسان‌هایی ستم‌ستیز خواهند بود و نفی هوی از درون نفس اولین مرتبه مبارزه با ستم‌گری بوده و انسانی که از درون، آزاده، آزاداندیش، آزادسیرت و آزادصفت باشد و از هرگونه ستم‌گری بری باشد به جز ستم‌ستیزی راهی برای تحقق راستین عدالت نمی‌بیند در حدیثی از امام رضا علیه السلام آمده است: «ومن خذل طالما فهو عادل» (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ح ۱۶، ص ۱۸۵، ح ۶۷ / ۲۱۳۰۵ مجلسی، پیشین، ج ۹۳، ص ۲۲۱، ح ۱۲) و امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «أحسن العدل نصره المظلوم» (لثی راسطی، ۱۳۷۶ش، ص ۱۱۳، ری‌شهری، ۱۳۷۵ش، ح ۲، ص ۱۷۸۰) و جهاد در راه خدا با ستم‌ستیزی قرین بوده و بدون آن معنا نخواهد داشت. بنابراین اولین اثر اجتماعی «عدل» ستم‌ستیزی و پاک‌سازی جامعه بشری از ستم‌های متعارف و خطاهای معمول میان عامه مردم و خواص خواهد بود.

۵. برکات زمین و آسمان بر چنین مردم باتقوایی فرود آمده و رعیت به غنای معنوی و مادی خواهد رسید با احیای عدل، زمین احیا می‌شود و مردم به بی‌نیازی می‌رسند و جامعه‌ای پایدار و دولت‌هایی استوار خواهیم داشت، هم‌چنان که امیر مؤمنان علیه السلام در بیان برکات الهی برای انسان‌های عادل و باتقوا فرموده است:

«العدل أقوى أساس» (میرزای نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ص ۳۱۸؛ نجفی، ۱۴۲۳ق، ح ۷، ص ۱۱۹، ح ۸۱۹۲ / ۳۵۱).

«العدل قوام الرعيه» (لثی راسطی، پیشین، ص ۴۲؛ میرزای نوری، پیشین).

«الرعيه لا يصلحها إلا العدل» (لثی راسطی، پیشین، ص ۴۸؛ میرزای نوری، پیشین، ص ۳۱۹).  
 «بالعدل تضاعف البركات» (لثی راسطی، پیشین، ص ۱۸۸؛ میرزای نوری، پیشین، ص ۳۲۰؛ نجفی، پیشین، ح ۳۹/۸۱۹۶).  
 «جعل الله العدل قواما للأنام، و تنزيها من المظالم والآثام، و تسنيه للإسلام» (لثی راسطی، پیشین، ص ۲۲۳؛ میرزای نوری، ص ۳۱۹؛ تجلی، پیشین، ح ۴۱ / ۸۱۹۸).  
 «ثبت الدول بإقامة سنن العدل» (نجفی، پیشین، ح ۴۰ / ۸۱۹۸۷؛ لثی راسطی، پیشین، ص ۲۱۷).

### ۱۲- عدل گستری و ستم‌ستیزی در نظام جامع اسلامی

تمام کژی‌ها و انحرافات یک انسان به ظلم و ستم بر می‌گردد. این درد خانمان‌سوز در قرآن کریم تبیین شده و تمام ابعاد، عوامل، عناصر، زمینه‌ها، پیامدها و مصادیق آن به خوبی توضیح داده شده است. شناخت ظلم و ظالمین و آن‌چه با ظلم و ستم ارتباط تنگاتنگ دارد برای تکامل انسان امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

### ۱۳- مفهوم‌شناسی ظلم و ستم

#### تعریف لغوی ظلم

لغت‌شناسان در تبیین مفهوم واژه «ظلم» چنین گفته‌اند:

- ۱- اصل ظلم، نقصان در حق است. ظلم نقیض انصاف است و انصاف، دادن تمام حق است (عسکری، ۱۴۱۲ق، ص ۱۷۲).
- ۲- اصل ظلم، جور و تجاوز از حد می‌باشد (ابن اثیر، ۱۳۶۴ش، ح ۳، ص ۱۶۱).
- ظلم، تصرف در ملک دیگری است (ریبلی، ۱۴۱۴ق، ح ۱۷، ص ۴۱۷).
- ۳- ظلم، قرار دادن یک شیء در غیر موضع و جایگاه خود است (ابن قتیبه، ۱۴۰۸ق، ح ۱، ص ۲۰۲؛ حرمری، پیشین، ح ۵، ص ۱۹۷۷؛ محمد بن عبدالقادر، ۱۴۱۵ق، ص ۲۱۴).

#### تعریف قرآنی ظلم

تعریف به مرادف یا تعریف به ضد، نشان دهنده روشن بودن مفهوم یک واژه و وحدت معنای عرفی و لغوی آن می‌باشد.  
 قرآن کریم «تمدی و تجاوز از حد» را با صراحت و به طور مکرر به عنوان مفهوم واژه «ظلم» بیان کرده است:  
 «ومن یتمد حدود الله فأولئك هم الظالمون» (طریحی، پیشین، ح ۳، ص ۱۹۵؛ این اصطلاح قرآنی است):  
 «... تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (بقره / ۲۲۹).

روش دیگر قرآن کریم در تبیین مفاهیم واژه‌ها، توجه دادن به مصادیق گوناگون و محل ابتلا در رویدادهای روزمره انسان‌ها می‌باشد و به این وسیله قلمروهای یک مفهوم را نیز تبیین می‌نماید. از این رو، قلمروهای ستم را با توجه به این رویکرد این گونه می‌توان برشمرد:

- ۱- کژاندیشی (بقره/۵۴)!
- ۲- کژرفتاری (اعراف/۴۴-۴۵)!
- ۳- حق‌پوشی (بقره/۲۵۴)!
- ۴- زیر پا نهادن حکم خدا (مائده/۴۵)!
- ۵- افترا بستن بر خدا (آل عمران/۹۴)!
- ۶- دوستی با دشمنان خدا (توبه/۲۳)!
- ۷- بی‌مهری با اولیا و دوستان خدا (انعام/۵۲)!
- ۸- عیب‌جویی و تحقیر مؤمنان (حجرات/۱۱)!

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که ظلم یا ستم در قرآن کریم به معنای نادیده گرفتن یا زیر پا نهادن حدود الهی است و حدود الهی، قوانین و مرزهای عادلانه در زندگی بشری می‌باشد و این مفهوم با معنای لغوی آن یکسان است.

البته حدود الهی نیز نشان‌دهنده حقوق بایسته انسان‌ها است، و تجاوز از این حدود و حقوق، ستم، ظلم و جور به شمار می‌رود. در نتیجه، می‌توان مفهوم ظلم را تعدی و تجاوز از «حق» دانست و «حق» نیز توسط خداوند که حق مطلق است (منبع حق) تبیین شده است. بنابراین ظلم نادیده گرفتن حدود الهی است که تجلی تجاوز از حق خواهد بود و با مفهوم لغوی آن نیز هم‌خوانی کامل دارد.

### ۱-۴ ظلم در منظومه ضد ارزشی‌ها در نگاه قرآن

با مطالعه آیات فراوانی که درباره ظلم در قرآن آمده است به خوبی در می‌یابیم که ظلم از واژه‌های بسیار رایج و مفهوم آن در میان تمام طبقات و اصناف و نسل‌ها روشن بوده و در بداهت می‌تواند اولین مفهوم روشن و زیربنایی‌ترین مفهوم برای سنجش سلامت و انحراف انسان‌ها در رفتار و کردار باشد. (مصاح یزدی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۹۰-۹۴).

### شیوه قرآن در معرفی و تکوین ظلم

در تمام کجرویی‌ها و انحرافات، سایه شوم ظلم به چشم می‌خورد. قبح ظلم و ستم - چه ظلم به خود و چه ظلم به دیگری - برای مخاطبان قرآنی امری روشن و مسلم بوده و پایه تمام ارزش‌یابی‌های رفتاری و کرداری می‌باشد.

### قرآن و قلمروهای ظلم

در قرآن کریم برای ظلم دو قلمرو کلی ذکر شده است: ظلم فرد به خود (ملاق/۱: «وَمَنْ يَتَّقِ خُذُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ»)، و ظلم به دیگری (افراد دیگر و جامعه بشری) (انبیاء/۱۱: «وَمَنْ قَسَمْنَا مِنْ قُرْمَةٍ كَانَتْ ظَالِمًا»).

### قرآن و ریشه‌یابی ظلم

حب ذات یا خود خواهی چنان‌چه با جهل و ناآگاهی همراه شود علت بسیاری از انحرافات خواهد شد. جهل و ناآگاهی انسان نسبت به خود و حقوق و وظایف خود و دیگران یکی از عوامل ستم می‌باشد. قرآن کریم «خود فراموشی» (حشر/۱۹: «تَسُوا اللَّهَ فَنَسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ» ر اعراف/۵۱: «تَسَاهُمْ كَمَا تَسُوا لِنَاءِ يَوْمِهِمْ هَذَا وَمَا كُنَّا بِأَبَاتِنَا بِخَبْرُونَ»)، را نیز یک نوع جهل عارض بر انسان می‌داند، در حالی که خودکم‌بینی و یا خودبزرگ‌بینی نیز نوعی دیگر از جهل مذموم می‌باشد که آثار ستم‌باری را در پی خواهد داشت.

«نفس اماره به سوء» (بدی‌ها) و یا غلبه «هوای نفس» (شهوت‌رانی) و یا تسلط خشم بر انسان، از عوامل دیگری است که انسان را به سوی ستم‌کاری سوق می‌دهد.

«کاخ نشینی و رفاه‌زدگی» و قدرت‌مندی، انسان را در دام خودفراموشی و احساس بی‌نیازی نسبت به مقتدر لایزال می‌اندازد. (فرقان/۱۸: «وَلَكِنْ مَتَّعْتَهُمْ وَآبَاءَهُمْ حَتَّى تَسُوا الذِّكْرَ وَ كَانُوا قَوْمًا بُورًا» و انعام/۴۴: «فَلَمَّا تَسُوا مَا دُكِّرُوا بِهِ فَتَخَنَّا عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَمِئَةٍ فَزَاذًا هُمْ يُحْسِرُونَ»).

حسادت که یک نوع خودکم‌بینی و احساس کمبود و نقص است از عوامل ستم به دیگران می‌باشد. (مائده/۲۷: «وَإِذْ نُنزلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَيْ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتَمَثَّلَ لِمِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتِمَّ بِمِنْ الْآخَرِ قَالَ لَا تَقْتُلْكَ قَالَ إِنَّمَا يُتَمَثَّلُ اللَّهُ مِنَ التَّحَنُّنِ»).

انسان با اختیار خود مرتکب ستم می‌شود، در حالی که از درون، خود را نسبت به ارتکاب ظلم نکوهش می‌نماید: «فَالَّذِينَ هُمْ يُجْرُونَ وَأَنْتَ أَعْلَمُ الْإِنْسَانَ عَلَى نَفْسِهِ بِصِيرَةٍ» \* و «لَرَأَيْتُنِي مَعَذِرَةَ» (قیامه/۱۵). و در صورت جهل و ناآگاهی نیز اگر بر رفیع این ناآگاهی توانا باشد اما نسبت به برطرف کردن آن اقدام ننماید شایسته نکوهش خواهد بود، زیرا قرآن می‌فرماید: «وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْتَعِينُ أَنْ نَقْتُلَ مَا كُنَّا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ» (ملک/۱۰).

در بحث‌های کلامی نیز به مواردی چون جهل، عجز، جبار و نیازمندی به عنوان عوامل وادار نمودن انسان به ستم توجه شده است.

### قرآن و مراتب ظلم

«دروغ بستن به خداوند»، «روی گردانی از حق»، «ادعای دروغین نبوت»، «اقدام به گمراه نمودن مردم» و «کتمان حق و خودداری از شهادت»، از بالا ترین مراتب ظلم در قرآن کریم است.

عبدالکبیری و سیمین‌ستیزی در قرآن کریم

خداوند متعال برای آن که نمونه‌ای عملی از ظالم‌ترین جوامع را به عنوان عبرت به انسان‌ها معرفی نموده و آنها را از بیمودن راه‌های انحرافی و افتادن در دام ظلم باز دارد قوم نوح را مثال زده است. شیوه خداوند متعال در قرآن کریم آن است که برای تبیین مفاهیم بلند خویش و همگانی ساختن آنها به ذکر نمونه‌های عملی و مثال‌های همه فهم اقدام می‌نماید و از این کار هیچ ابایی ندارد. (بقره/۲۶)

### قرآن و مصادیق و نمودهای ظلم

در این کتاب شریف بیش از ۱۲۰ مورد به «مصادیق ظلم» اشاره شده است (رک: موسوی همدانی، پیشین، ج ۷، ص ۲۸۱؛ وگناه و ظلم اختیاری داری مصادیق و مراتب است که شخص مؤمن مناسب با درجه تقوا و معرفت و ایمانش از مصادیق و مراتب بیشتری از گناه دوری می‌کند) که این موارد هم شامل نقل جریان‌های تاریخی - به عنوان نمونه و مصادیق واقع شده از ظلم -، هم شامل مفاهیم اعتقادی و هم شامل مفاهیم عملی است که انسان‌ها همیشه با آنها در تعامل‌اند.

- ۱- مواردی که به عنوان مصادیق تاریخی ظلم در قرآن کریم بیان شده است:
  - بنای مسجد ضرار برای ایجاد تفرقه میان مسلمین و ضرر زدن به جامعه مؤمنان (توبه/۱۰۷-۱۰۹)؛
  - پی کردن شتر صالح که تماد تمرد از فرمان الهی بود (هود/۶۵-۶۷ و اسراء/۵۹)؛
  - نسبت ناروای جادوگری به پیامبر اکرم ﷺ (اسراء/۴۷ و انبیاء/۳)؛
  - تهمت به نوح نبی ﷺ (مؤمنون/۲۴-۲۷)؛
  - توطئه علیه صالح علیه السلام (نمل/۴۹، ۵۱، ۵۲)؛
  - دختر کشی (نحل/۵۸، ۵۹، ۶۱)؛
- ۲- مصادیق اعتقادی ظلم:
  - شرک (لقمان/۱۳)؛
  - نسبت دادن فرزند به خداوند؛
  - ادعای الوهیت (انبیاء/۲۹)؛
  - اعتقاد به الوهیت عیسی علیهما السلام؛
  - انکار ربوبیت؛

۱- و هر کس از آنها بگوید که من خدای عالمم دون خدای به حق، ما او را به آتش دوزخ کثیر خواهیم کرد، که سرکشان و مستکاران را البته چنین مجازات می‌کنیم.  
۲- رعد/۵-۶: و اگر تو را جای تعجب (به کار منکران) است عجب قول منکران معاد است که می‌گویند: آیا ما چون خاک شدیم باز از نو خلق خواهیم شد؟ اینان هستند که به خدای خود کافر شدند و هم ایشان زنجیرها (ی فھر و عذاب) بر گردن دارند و هم اینان اصحاب دوزخ‌اند و در آن همیشه مملدب‌اند \* (ای رسول ما) کافران پیش از تقاضای آمرزش و احسان (به تمسخر) از تو تقاضای تمجیل در عذاب می‌کنند؟ در صورتی که چه عقوبت‌های عبرت‌آموز بر اتقان کافر گذشته رسیدا و خدا بر ظلم خلق هم بسیار صاحب عفو و مغفرت است و هم صاحب قهر و انتقام سخت است.

### بت‌پرستی؛

خورشیدپرستی و گوساله‌پرستی، تکذیب و کتمان حق (عنکبوت/۶۷، همچنین رک: زمر/۳۲)، مانند کتمان آیات الهی، تکذیب دین حق، تکذیب پیامبر اکرم ﷺ (انعام/۳۲) و تکذیب قرآن کریم؛ انکار آخرت (مرد/۱۸۷-۱۹)، انکار قدرت خداوند متعال، انکار نعمت‌های الهی، غفلت از گناهان، و فراموشی انذارها.

۳- رفتارهای ظالمانه از مصادیق عملی ظلم به شمار رفته است؛ مانند: استعمار (دخان/۱۸-۱۹) استکبار، استهزاء، اضلال (نوح/۲۴)، اغواگری (جن/۶، ۱۴، ۱۵)، افترا به خداوند (انعام/۹۳)، بدعت‌گذاری (بقره/۵۹)، بی تقوایی (شعرا/۱۰-۱۱)، بی عدالتی (مائده/۲)، تبلیغ سوء (اعراف/۴۴-۴۵)، تجاوز از حدود الهی (طلاق/۱)، ترک انفاق (بقره/۲۵۴)، ترک زهدی از منکر (اعراف/۱۶۵)، تخلفات اقتصادی، خیانت در گواهی (مائده/۱۰۷)، سازش کاری با دشمنان (بقره/۱۴۵)، فسق (اعراف/۱۶۳-۱۶۵) فساد (عنکبوت/۳۰-۳۱) و قضاوت باطل (مائده/۴۵).

### قرآن و پی آمدهای ظلم

در قرآن کریم برای ظلم آثار گوناگونی بیان شده است، مانند: «آثار دنیوی و اخروی»، «آثار فردی و اجتماعی»، «آثار تکوینی و تشریعی» و... که نمونه‌هایی از آنها ذکر می‌گردد:

#### آثار تکوینی

عذاب، استیصال و نابودی جوامع بشری ستم‌پیشه (زمر/۵۱؛ هود/۱۱۶ و نساء/۱۵۳؛ رک: تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۴۹۵ و قرآنی، ۱۲۸۳، ج ۱۰، ص ۱۸۶).

#### آثار تشریعی

ظلم در فرهنگ قرآن رفتاری ناشایست و خارج از مدار طبیعی و نظام تشریح است که خداوند متعال از آن به عنوان مانعی برای تکامل انسان نام برده است. بر همین اساس، برای آن که افراد از ارتکاب ظلم پرهیز نمایند برخی عوامل باز دارنده در قرآن کریم تعریف شده است که می‌توان آنها را آثار تشریعی ظلم دانست که آیات ذیل برخی از موارد آن را بر می‌شمارد:

- محرومیت از برخی آزادی‌ها (نساء/۱۶۰؛ رک: موسوی همدانی، پیشین، ج ۱۲، ص ۵۲۷)؛
- محرومیت از امامت و رهبری (بقره/۱۲۴)؛
- محرومیت ظالم گناه‌کار از امنیت در حرم امن الهی (حج/۲۵)؛
- حق مظلوم در رسوا نمودن ظالم (نساء/۱۴۸)؛
- حق مبارزه مظلوم علیه ظالم (حج/۳۹)؛
- حق قصاص مظلوم از ظالم (اسراء/۳۲، شعرا/۲۲۷)؛





آثار دنیوی و اخروی

انسان ظالم نه تنها در این دنیا گرفتار آثار ظلم خویش است بلکه در آخرت نیز عواقب این ظلم را خواهد چشید؛ به بیان دیگر، برخی از آثار ظلم هم در دنیا و هم در آخرت گریبان گیر انسان خواهد شد، چنان که خداوند متعال در قرآن کریم ظالمان را به خاطر ظلمشان هم در دنیا و هم در آخرت تنها و بی یار و یاور می داند: «وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ»<sup>۱</sup>.

آثار اخروی - فردی

عالم آخرت و قیامت کبری عرصه‌ای است که در آن انسان‌ها همان گونه که در دنیا می‌زیستند ظاهر خواهند شد.

درماندگی و سستی انسان‌های ظالم - که از دستورات و اوامر الهی سرپیچی کرده و راه ظنیان و سرکشی را در پیش گرفتند - نیز آشکار خواهد شد، و در نهایت به سزای حقیقی ظلم خویش خواهند رسید.<sup>۲</sup>

در آیات الهی «حبط اعمال»، «زوال نعمت‌های الهی»<sup>۳</sup>، «تحریم برخی حلال‌ها»<sup>۴</sup>، «نزول عذاب آسمانی»<sup>۵</sup>، «گرفتار شدن به عذاب دائمی»<sup>۶</sup>، «هلاکت جوامع»<sup>۷</sup> و... از آثار اصرار بر ظلم بر شمرده شده است.

۱۵- زمینه‌ها و علل ستم‌گری از نگاه قرآن کریم

شناخت عوامل زمینه‌ساز ظلم، مقدمه‌ای اساسی برای پرهیز از گرفتار شدن در دامان ظلم‌ها می‌باشد. در قرآن کریم عوامل بسیاری به عنوان زمینه و ریشه پیدایش ظلم بر شمرده شده است، مانند: «وسوسه‌های ابلیس» (سبأ/۱۹-۲۰)، «افزون طلبی»<sup>۸</sup>، «بیمار دلی» (حج/۵۳)، «دوستان ناباب» (قرآن/۲۷-۲۸)، «راه غیر منطقی و نامعقول» (انعام/۴۴-۴۵)، «قساوت» (حج/۵۳)، «پذیرفتن ولایت یهود و مسیحیان» (مائده/۵۱).

- ۱- بقره/۲۷۰: «برای ستمکاران در دو جهان یار و معینی نخواهد بود».
- ۲- نساء/۱۰: «و آنان که اموال یتیمان را به ستم‌گری می‌خورند، در حقیقت آنها در شکم خود آتش جهنم فرو می‌برند و به زودی در آتش فروزان خواهند افتاد».
- ۳- اعراف/۱۶۰: «... کثرتی از طغیان ما زودتر از آن است که ما بدانیم و ما طلبناهم و لکن کاترا انفسهم یظلمون».
- ۴- نحل/۱۱۷: «و علی الذین هادوا حرمنا ما قضصنا علیک من قبل و ما طلبناهم و لکن کاترا انفسهم یظلمون».
- ۵- بقره/۵۹: «و قد کذب الذین ظلموا قولا غیر الذی قبل لهم قاتلونا علی الذین ظلموا رجوا من السماء بما کاترا یسئلون».
- ۶- زمر/۷۴-۷۶: «و ان الشجرین فی عذاب جهنم خالدون \* لا یقر عنهم و هم فیہ فیلبسون \* و ما طلبناهم و لکن کاترا هم الظالمین» هم چنین رکن: توبه/۶۷-۷۰.
- ۷- انفال/۵۹: «و کذاب آل فرعون و الذین من قبلهم کذبوا بآیات ربهم فاهلکناهم بذنوبهم و اغرقنا آل فرعون و کل کاترا ظالمین».

علل و مراحل رهایی از ستم‌گری از نگاه قرآن کریم

قرآن برای این که انسان از گرفتار آمدن در دام ظلم و یا قرار گرفتن در مسیر ظالمانه مصون و در امان بماند یکی از مهم‌ترین عوامل رهایی از ظلم را به او گوشزد می‌نماید و در ضمن نقل ماجرای یوسف پیامبر علیه السلام، بر لزوم پناه بردن به خداوند و اهمیت آن را برای نجات از گرفتار شدن در دام ظلم تأکید می‌کند.<sup>۱</sup>

قرآن هم‌چنین برای کسانی که خواسته یا ناخواسته در دام ظلم گرفتار شده و اکنون از کرده خویش احساس پشیمانی می‌کنند، راه‌های رهایی از ظلم را بر شمرده است، تا این گونه افراد نیز با یافتن مسیر حق در زندگی، از دام ظلم رهایی یافته و بتوانند خود را نجات دهند.

قرآن کریم راه‌های متعددی را برای رهایی از ظلم بر شمرده و اولین قدم برای بازگشت به مسیر صحیح و رهایی از ظلم را «اقرار و اعتراف» به ظلم و ارتکاب جرم، بیان می‌نماید.

قرآن کریم اعتراف حضرت یونس علیه السلام را به ظلمی که از او سرزده است، به عنوان عاملی مؤثر در بخشیده شدن او بیان می‌نماید.<sup>۲</sup>

مرحله بعد از اقرار به ظلم، استغفار و توبه از ظلم است، که این امر موجب نجات از ظلم شده و انسان را شایسته رحمت و مغفرت الهی می‌گرداند.<sup>۳</sup>

توسل به انسان‌های صالح و مقربان درگاه الهی نیز می‌تواند زمینه‌ساز رهایی از ظلم و آثار شوم آن باشد.<sup>۴</sup>

در برخی موارد ظلم که نسبت به حقوق دیگران تعدی و تجاوز صورت گرفته و یا ظلم فرد موجب بروز مشکلات و نابسامانی‌هایی برای دیگران شده است، تنها استغفار کافی نیست، بلکه استغفار زمانی مؤثر خواهد بود که مقدمات زدودن آثار ظلم و شرایط آن فراهم باشد و یکی از این شرایط، جبران خسارت‌های وارد شده است؛ یعنی زمانی توبه و استغفار مفید واقع خواهد شد که حقوق ضایع شده دیگران به آنها بازگردانده شود و رضایت آنان نسبت به دریافت حق خود تأمین گردد.<sup>۵</sup>

- ۱- یوسف/۱۲۳: «و رآذکة الیٰهٰی حٰوٰی بیٰتہا عن نسیہ و غلقت الابواب و قالت حیٰت لک قال معاذ اللہ انہ ربی احسن مفرای انہ لا یطلع الطالمون».
- ۲- انبیاء/۸۷-۸۸: «و ذکا الثورن اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین \* فاستجبنا له و نجیناه من الغم و کذلک ننجی المؤمنین».
- ۳- نساء/۱۰: «و من یعمل سوءا او یظلم نفسه ثم یتوب الله فجد الله بجد الیه عقورا رحیما و آل عمران/۱۳۶-۱۳۷: «و الذین اذا قتلوا فاحصه ان ظلموا انفسهم ذکروا الله فاستغفروا لذنوبهم و من یغفر الذنوب الا الله و لم یصروا علی ما قتلوا و هم یظلمون \* اولئک جزاؤهم مغفرة من ربهم و جنات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها و یغتم اجر العالمین».
- ۴- یوسف/۹۷: «قالوا یا اہانا استغفر لنا ذنوبنا انما کننا خاطئین \* قال سرت استغفر لکم ربی انہ هو الغفور الرحیم».
- ۵- مائده/۳۹: «فمن تاب من بعد ظلمه و اصلح فان الله یؤوب علیہ ان الله غفور رحیم».

قرآن کریم در جای دیگر، وجود فرماندهان لایق و جهادگران با اخلاق و ایثارگر را برای رهایی مستضعفان از ظلم جزء نیازهای جامعه انسانی معرفی می‌نماید و این مهم را در قالب توبیخ کسانی که توان کمک به مستضعفان را دارند ولی از کمک و یاری آنان دریغ می‌ورزند و دعا و درخواست مستضعفان نسبت به داشتن ولی و نصرت‌دهنده، به تصویر می‌کشد<sup>۱</sup>.

در مسیر رهایی از ظلم، انسان‌ها علاوه بر وجود رهبری حقیقی، به تحصیل شرایط و مقدماتی چون: «ایمان و اقامه نماز»، «توکل به خداوند متعال»، «مجهز شدن به سلاح دعا» (نساء/۷۵)، «شاکر بودن نسبت به خداوند متعال» (مؤمنون/۲۳-۲۸) نیز احتیاج دارند<sup>۲</sup> و خداوند متعال در قرآن کریم این حقایق را در ضمن نقل ماجرای نجات بنی اسرائیل از سلطه فرعون ظالم این‌گونه بیان می‌کند:

«پيروان موسى نیز همه گفتند: ما بر خدا توکل کردیم، بارالها! ما را دست‌خوش فتنه اشرار و قوم ستم‌کار مگردان \* و ما را به رحمت و لطف خود از شر کافران نجات ده \* و به موسى و برادرش (هارون) وحی کردیم که شما برای پیروانتان در شهر مصر منزل گیرید و (اکنون که از بیم فرعونیان به مساجد نتوانید رفت)، خانه‌هایتان را قبله و معبد خود قرار دهید و نماز به یا دارید و (تو هم ای رسول) مؤمنان را (به فتح در دنیا و بهشت در آخرت) بشارت ده» (یونس/۸۵-۸۷).

### ۱۶- نه ستم‌گری نه ستم‌کشی

با توجه به هدف والای آفرینش انسان و بعثت انبیای الهی برای تحقق سعادت و تکامل انسان، عدالت‌مداری و اعتدال در همه مراحل و در تمام ابعاد وجودی انسان یگانه راه تحقق سعادت و تکامل مطلوب می‌باشد.

قرآن کریم ضمن تأکید بر اهمیت اعتدال و عدالت‌گرایی «اغْدِلُوا قُرْ اَقْرَبُ لِلنُّفُوسِ» (مانند، ۸/ تقوا را نشانه تکامل انسان‌ها قرار داده و هرگونه ستم‌گری و ستم‌کشی را خروج از مرز عدالت و اعتدال می‌داند: «لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» (بقره/۲۷۹).

و با این معیار و شاخص، برنامه‌های فردی و اجتماعی خود را تنظیم و عرضه می‌نمایند.

۱- نساء/۷۵: «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَعْمَالُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا».  
 ۲- ر.ک: موسوی همدانی، پیشین، ح ۱، ص ۵۳۹: «قرآن انسان‌ها را از نظر اوصاف و طرز تفکر، طوری تربیت کرده که دیگر محل و موضوعی برای ردائل اخلاقی باقی نگذاشته و به عبارت دیگر، اوصاف رذیله و حوی‌های باستوده را از طریق رفع از بین برده نه دفع؛ یعنی اجازه نداده که رذایل در دل‌ها راه یابد تا در صدد بر طرف کردنش برآیند، بلکه دل‌ها را آن چنان با علوم و معارف خود پر کرده که دیگر جایی برای رذایل باقی نگذاشته است».

### ۱۷- قرآن کریم و ستم‌ستیزی

مبارزه با ظالمان و جلوگیری از وقوع ظلم، یکی از فرایض مهم است که قرآن کریم بر آن تأکید کرده و در موارد متعدد، ضرورت این امر و چگونگی آن را تبیین نموده است. اما درباره اهمیت عدل گستری و ظلم‌ستیزی، خداوند متعال آن را جزء مهم‌ترین اهداف انبیا بر می‌شمارد (ر.ک: تفسیر نمونه، ح ۲۳، ص ۳۷۰-۳۷۱).

«همانا ما پیمبران خود را با ادله و معجزات فرستادیم و با ایشان کتاب و میزان عدل نازل کردیم تا مردم به راستی و عدالت گرایند، و آهن (و دیگر فلزات) را که در آن هم سختی (جنگ و کارزار) و هم منافع بسیار بر مردم است (نیز برای حفظ عدالت) آفریدیم، تا معلوم شود که خدا و رسلش را بنا ایمان قلبی که یاری خواهد کرد؟ (هر چند) که خدا بسیار قوی و مقتدر (و از یاری خلق بی‌نیاز) است» (حدید/۲۵).

قرآن کریم روحیه ظلم‌ستیزی را جزء جدایی‌ناپذیر ایمان و ویژگی اصلی مؤمنان دانسته و تعالیم دین و آموزش‌های انبیا را عامل مبارزه با ظلم قرار داده و ظلم‌ستیزی را اساس این تعالیم می‌داند. قرآن کریم به ابزارهای مناسب برای ظلم‌ستیزی اشاره نموده و عواملی چون «توجه به کانون‌های اصلی ظلم<sup>۱</sup>»، «برخورداری از فرماندهان شایسته<sup>۲</sup>»، «شرایط مطلوب نیروهای انسانی<sup>۳</sup>»، «دعا و نیایش<sup>۴</sup>» را مورد اهتمام قرار داده است.

### ۱۸- قرآن کریم و آثار گریز از ستم‌گری

یکی از آثار اجتناب از ظلم و ظلم‌ستیزی پدید آمدن «امنیت» و به تبع آن رفاه و آسایش در زندگی دنیوی است که این مهم در قرآن کریم برای تأکید بیشتر، در قالب سؤال از مخاطبان این کتاب الهی، در پی مقایسه‌ای که میان اهل ایمان و ظالمان صورت می‌گیرد - در ضمن نقل ماجرای احتجاج ابراهیم علیه السلام با بت‌پرستان<sup>۵</sup> - بیان شده است، زیرا مخاطب در این شیوه بیان، بناهت و آشکار بودن جواب را نیز درک خواهد کرد.

بنابراین «امنیت» و «رفاه» دو نتیجه طبیعی محو ظلم و استقرار عدالت است.

۱- شعراء/۱۰۱-۱۱۶: «... أَنْ أَتَى الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ \* ... فَأَتَاهَا فِرْعَوْنُ...».  
 ۲- نساء/۷۵: «... وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَيًّا...».  
 ۳- نساء/۷۵: «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَعْمَالُهَا...».  
 ۴- نساء/۷۵: «... رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَعْمَالُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَيًّا...».  
 ۵- انعام/۸۱-۸۲: «قَالَ الَّذِينَ آمَنُوا لَوْلَا نُحْيِيكُم بِأَرْحَامِكُمْ لَأَكْبَرْتُمْ شِرْكَكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ».

نتیجه دیگر ظلم‌ستیزی و محو ظلم، رسیدن به آسایش اخروی و برخورداری از «مفقرت الهی» در سرای باقی است.<sup>۱</sup>

از مجموع آن‌چه که خداوند متعال برای ظلم‌ستیزی برمی‌شمارد می‌توان نتیجه گرفت که تمام آن‌چه برای آسایش انسان و قرار گرفتن او در مسیر تکامل و رسیدن به آسایش اخروی و قرب به خداوند متعال لازم است، تنها در پرتو ظلم‌ستیزی امکان‌پذیر خواهد بود، چنان‌که قرآن کریم رسیدن به ایمان به عنوان اولین گام در مسیر تکامل انسان و آسایش در زندگی دنیوی و ایجاد شرایط و امکانات مناسب جهت رشد و ارتقای مادی و معنوی در انسان و در نهایت، دستیابی به مغفرت و آسایش اخروی را به عنوان آثار و نتایج ظلم‌ستیزی مورد تأکید قرار داده است.

از نگاه قرآن کریم تأمین تمام نیازهای انسان در دنیا و آخرت مشروط به داشتن روحیه ظلم‌ستیزی و حرکت در مسیر محو و نابودی ظلم - از درون نفس<sup>۲</sup> و بیرون آن در مراحل فردی و اجتماعی<sup>۳</sup> - می‌باشد.

منابع و مآخذ:

- ۱- ابن اثیر، *النهایه فی غریب الحدیث*، تحقیق: طاهر احمد زاوی، محمود محمد طنحاحی، مؤسسه اسماعیلیان للطباعة و النشر و التوزیع، قم، چاپ چهارم، ۱۳۶۴ ش.
- ۲- ابن قتیبہ، *غریب الحدیث*، تحقیق: دکتر عبدالله جیوری، دارالکتب العلمیہ، قم، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
- ۳- احسانی، ابن ابی جمهور، *عوالی النالی*، تحقیق: حاج آقا مجتبی عراقی، سید الشهداء، قم، چاپ اول، ۱۴۰۲ق.
- ۴- جوهری، *الصحاح*، تحقیق: احمد عبد الغفور عطار، دارالعلم للملایین، بیروت، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- ۵- حر عاملی، *وسائل الشیعه (اللبیت)*، مؤسسه آل‌البتیت علیهم السلام لإحياء التراث، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
- ۶- حکیم، سید منذر، *پیشوایان هدایت*، ترجمه: عباس جلالی، مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)، قم، چاپ اول، ۱۳۸۴ ش.
- ۷- خوینی، سید ابوالقاسم، *البیان فی تفسیر القرآن*، دار الزهراء للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت، چاپ چهارم، ۱۳۹۵ق.

۱- نساء: ۱۳۷؛ «إِنَّ الَّذِينَ تَقَرَّوْا وَ ظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ يَجْعَلْ كُفْرَهُمْ...»  
 ۲- فصل: ۸۳؛ «تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْمَانِهَا الَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا نُسَاوًا فِي الْعَاقِبَةِ لِلْمُؤْمِنِينَ.»  
 ۳- رعد: ۱۱؛ «إِنَّ أَوْلَىٰ لِلَّهِ لَمَّا يُقْتَلُ مَا يُلْقِي حَتَّىٰ يُصْرَبُوا مَا يُنْفُسِهِمْ.»

الاشراق

سال پنجم / شماره بیستم

- ۸- راغب اصفهانی، *مفردات غریب القرآن*، دفتر نشر الکتاب، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
- ۹- ری شهری، محمد، *میزان الحکمه*، دارالحدیث، قم، چاپ اول، ۱۳۷۵ ش.
- ۱۰- زبیدی، *تاج العروس*، تحقیق: علی شیری، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت، ۱۴۱۴ق.
- ۱۱- زکریا، ابوالحسن احمد بن فارس، *معجم مقاییس اللغه*، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، مکتبه الإعلام الإسلامی، ۱۴۰۴ق.
- ۱۲- شریف رضی، *لهج البلاغه*، شرح: شیخ محمد عبده، دار الذخائر، قم، چاپ اول، ۱۳۷۰ ش.
- ۱۳- صدر، سید محمدباقر، *المدرسه الإسلامیه*، مرکز الأبحاث و الدراسات التخصصیه للشهید الصدر (قده)، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
- ۱۴- طریحی، مجمع البحرین، تحقیق: سید احمد حسینی، مکتب النشر الثقافه الإسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۶۷ ش.
- ۱۵- عسکری، ابو هلال، *الفروق اللغویه*، تحقیق: مؤسسه النشر الإسلامی، مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المشرفه، قم، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- ۱۶- فراهیدی، خلیل، *کتاب العین*، تحقیق: دکتر مهدی مخزومی، دکتر [سراخیم سامرائی]، مؤسسه دارالهیجره، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.
- ۱۷- قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، مرکز فرهنگی دوسهایی از قرآن، تهران، چاپ: یازدهم، ۱۳۸۳ ش.
- ۱۸- کلینی راژی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب بن اسحاق، *الکافی*، تصحیح و تعلق: علی اکبر غفاری، دارالکتب الإسلامیه، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۶۳ ش.
- ۱۹- لیبی واسطی، علی بن محمد، *عیون الحکم و المواعظ*، تحقیق: شیخ حسین حسینی بیرجندی، دارالحدیث، قم، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.
- ۲۰- مجلسی، محمدباقر، *بخار الأنوار*، مؤسسه الوفاء - دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۲ق.
- ۲۱- محمد بن عبدالقادر، *مختار الصحاح*، تحقیق، ضبط و تصحیح: احمد شمس الدین، دار الکتب العلمیه، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
- ۲۲- مصباح یزدی، محمدتقی، *اخلاق در قرآن*، تحقیق و نگارش: محمد حسین اسکندری، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (قدس)، قم، چاپ هفتم، ۱۳۸۰ ش.
- ۲۳- مصطفی، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*.
- ۲۴- موسوی همدانی، سید محمدباقر، *ترجمه تفسیر المیزان*، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ش.
- ۲۵- میرزای نوری، *مستدرک الوسائل*، مؤسسه آل‌البتیت علیهم السلام لإحياء التراث، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.

عدل گستری و ستم‌ستیزی در قرآن کریم

- ۲۶ - نجفی، شیخ هادی، موسوعه احادیث أهل البيت علیهم السلام، دار إحياء التراث العربی للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۳ق.
- ۲۷ - نراقی، محمدمهدی، جامع المسائل، تحقیق و تعلیق: سید محمد کلانتر، دار النعمان للطباعة و النشر، نجف اشرف، بی تا.
- ۲۸ - هاشمی رفسنجانی، اکبر، فرهنگ قرآن، مؤسسه بوستان کتاب، قم، چاپ اول، ۱۳۷۸ش.
- ۲۹ - الهی قمشہ آی، مهدی، ترجمہ قرآن / الهی قمشہ آی، انتشارات فاطمہ الزہراء، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۰ش.

## کتابخانه

الایم تقریب

سال پنجم / شماره بیستم